

تکنیک نویسان ویولون

۴ - پیتر و راوللی

در تاریخ موسیقی بسیاری از آهنگسازان ساز ویولون را، مکرر، مورد بررسی و دقت نظر قرار داده‌اند. به جرأت می‌توان گفت که هیچ مصنفی نبوده است که نسبت به این ساز بی‌توجه بوده و برای آن، مطلبی ننوشته باشد. عده‌ای از خبره‌ترین نوازندگان این ساز، نیز با وسواس اقدام به تصنیف قطعات، اتودها و کاپریسهایی برای ویولون کرده‌اند. و گاه درباره آرشه و خود ویولون، نیز، مطلبی به رشته تحریر درآورده‌اند. تکنیک نویسان ویولون در بیشتر اوقات مسائل مربوط به دست راست و چپ را از هم جدا کرده و گاه در آثار خود برای امکانات هر دو دست پیش‌بینی‌های لازم را کرده‌اند.

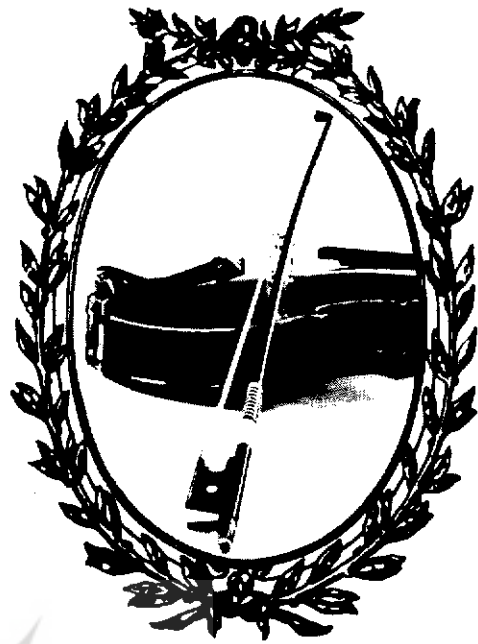
پیتر و راوللی^۱ یکی از اهالی برگامو^۲ در ایتالیا صاحب اثر مشهور دوازده کاپریس برای ویولون است. وی در زمره آهنگسازان و تکنیک‌نویسانی است که جز تصنیف آثار، درباره خود ویولون و آرشه نیز دست به قلم برده است.

راوللی در ششم فوریه سال ۱۷۹۳ میلادی دیده به جهان گشود. کودکیش در سکوت و انزوا گذشت. اولین تعلیمات موسیقی را نزد پدر بزرگش، که همیشه مورد توجه و احترام او بود، فراگرفت، و تا سن سیزده سالگی زیر نظر همو، که استاد و دانشمند و مصنف کلیسای سنت ماریا ماجیوره^۳ در برگامو بود، به تعلیم پرداخت. می‌گویند که پیتر در این سن در ملا عام ظاهر شد و با ویولون خود قطعاتی برای حضار نواخت. وی سپس جهت ادامه مطالعات و آموزش بهتر نزد رودلف کریترز^۴ رفت. اوزیر نظر مخصوص کریترز بزرگ در پاریس پخته و کارآموده شد.

لودویک اشپوره^۵ (۱۷۸۴ - ۱۸۵۱ م.) ویولونیست آلمانی، رهبر و آهنگساز نامداری است که هفده کنسرتو برای ویولون و نیز اوراتوریو-سمفونی و تعدادی موسیقی مجلسی شامل چهار دوئل کوارتت زهی و یک نونتت و بسیاری قطعات دیگر تصنیف کرده است. وی در اواخر سال ۱۸۱۵ ویولون راوللی را گوش داد و پس از شنیدن اجرای راوللی تعریف و تمجید زیادی نسبت به او ابراز کرد که به نظر تملق‌آمیز می‌نماید. اشپور در زمینه مکتب ویولون پاریس نیز مطالبی بیان کرده که از این قرار است: «راوللی با برخورداری از مزایای هنری مکتب ویولون

فریبا کاشانی کبیر
بهمن مه‌آبادی





«راوللی یکی از بشاشترین نوازندگان ویولون است که در نقش خود خوش می درخشید. او همه نتهای موسیقی را گویی از پیش پرورش داده و با شکل و سبکی مخصوص به اجرا می گذارد. تأثیر راوللی بر روی شنوندگانش عمیق، روحانی و ژرف است. پیتر راوللی تمام خواسته های موزیکالیتۀ قطعات مورد اجرائش را به نحوی عالی بر آورد می کند و با سبک نوازندگی نوازش دهنده اش حاضران را به طور واضح به شادمانی و ضیافتی آسمانی فرا می خواند. چنین اجرای گرم و صمیمی از طرف شنوندگانش نیز بی جواب نمی ماند. آنها در تمام لحظات با نگاهها و گوش سپردنهای خود او را لمس کرده و از وی قدردانی می کنند. راوللی يك ژنی در موسیقی است. او چنان ابسولت بر روی ساز ویولون می نوازد که گویی همه اصوات از برلیانهای پرتالو تراشیده شده اند. راوللی، کمیابترین کیفیتها را با لذتبخش ترین صداها، چنان خالص و منزّه به هم می پیوندد که به نوایی آسمانی می ماند. اجرای نوانس و موزیکالیتۀ راوللی در نوع خود بی همتاست. برخورد او با دست راست در نوازندگی ظریف، با وقار، نیرومند و غیر معمول است. وی از آرشه به گونه مختص به خود استفاده می کند.»

درج این جملات در مجله موسیقی وین، نشاندهندۀ اعتبار این ویولونیست تکنیک ساز است. با این همه، اطلاعات مادر مورد پیتر و راوللی اندک و مختصر است. درباره آهنگسازی او نیز، ابهامات بسیاری ناشی از گذشت زمان موجود است؛ اما او درسهایی برای ویولونیستها نوشته است که تقریباً همه دست اندرکاران، آنها را می شناسند. دوازده کاپریس برای ویولون، از جمله آثار معروف راوللی است. این کاپریسها اصول اساسی و بسیار واقعی سرچشمه های هنر نوازندگی ویولون را در خود جا داده اند و از جهاتی برجسته تر از دیگر آثار همدریف خود هستند. این کاپریسها همپایۀ درسهای کلاسیک تکنیک نویسان بزرگ ویولون نظیر کریتزر^۷، فیوریلو^۸ و رود^۹ است. دوازده کاپریس برای ویولون از راوللی در حدّ خود استثنایی و با ارزش است. آنها دارای رتبه ای برتر، برای ژرفتر کردن نوازنده، در نتهای دوپل است. راوللی با زرنگی و تدبیر خاصی، ایده های خود را برای جابه جا کردن انگشتان دست چپ در محدوده

پاریس توانسته است، کامیابی و موفقیت را در خود معنا کند. او با به هم پیوستن و متحد کردن کیفیتهای عالی که مدتها پراکنده و منفصل بود، قانون و اقتداری به وجود آورده است که از دیر زمان لازم و ضروری به نظر می رسد. این قوانین و نوآوریها، نه تنها برای خود راوللی، بلکه برای تمام کسانی که با ویولون سروکار دارند، به طور جدی ضرورت دارد. راوللی طراح قانونهای اصولی برای احساس و آزمایشهای شخصی است که به واقع افتخار آفرین می نماید.»

اظهارات اشپور - کسی که در موسیقی ویولون، خود از نامداران است - نشاندهندۀ عظمت راوللی است. این جملات تشویق آمیز، پیتر را بیش از همیشه واداشت تا در مسافرت با تور برای اجرای کنسرت اعلام آمادگی کند. او در آلمان دورتر از وین در ۱۸۱۷ م. با اجراهای مختلف، موفقیتهای شایانی به دست آورد. این پیروزیها، آوازه او را در محافل گسترده و باعث شد که وی به عنوان کنسرت مایستر سلطنتی در مونیخ منصوب شود. در شماره ای از مجله موسیقی وین^{۱۰}، نقدی درباره نوازندگی سلوی راوللی نوشته شده است که در آن چنین آمده:

پزیسیونهای مخصوص به کار برده، و نیز با آگاهی تحرکات پزیسونی را از پایین به بالا و برعکس به طور استادانه مدنظر داشته است. مواد اولیه این تمرینات به نظر بسیار سودمند می آید؛ بخصوص زمانی که درمی یابیم آنها جهت اخذ سلوک و رفتاری ویژه، برتر و عالیتر در هنر نوازندگی، و پرورش آرشه برای انواع تحرکات ساخته شده اند.

راوللی، کنسرت مایستر سلطنتی، در مونیخ با کارشکنی مواجه شد و بناچار، در ۱۸۱۹ م. مجبور به استعفا گردید. دیگر در مونیخ نماند. تسلیم سرنوشت شده و به آوای دل گوش سپرد. به وطنش، ایتالیا، بازگشت و در آنجا از او استقبال شایانی کردند. راوللی تصمیم گرفت کار پدربزرگش را دنبال کند. او خود را

برای همیشه، وقف آموزش و نوازندگی سلو کرد. استعداد خاص خود را در کلاس و صحنه آزمود. او در کلاس مشغول کار و تدریس موسیقی برای شاگردانش، و در تنهایی سرگرم نواختن و آزمون تکنیکهای تازه بر روی ساز محبوبش، ویولون، شد. وی بی وقفه می نواخت و گه گاه نیز تصنیف می کرد. در همه شرح حالهایی که برایش نوشته اند، از راوللی به عنوان یک ویولونیست خیره، شایان توجه و یک معلم عالیترتبه و فوق العاده یاد کرده اند. تاریخ نویسان موسیقی ویولون، نوازندگی راوللی را درخشان، باشکوه و صدای ساز او را شیشه ای گرم و با احساس خوانده اند.

حضور راوللی در کلاس درس، باعث شرکت شاگردان زیادی برای سود بردن از گنجینه های معنوی او

Allegretto

Middle of bow
light strokes
p

cracca

قسمتی از کاپریس شماره یازده
راوللی با تجدیدنظر پروفیسور سینگر

شد. استقبال چشمگیر مریدانش، وی را تشویق می کرد تا بیشتر کار کند و کمتر بیاساید. او نیز با شور و شوقی خاص در انتقال معلومات علمی اش می کوشید. از نامدارترین شاگردانش می توان برن هارد مولیکو^{۱۱} را نام برد که از مریدانش می شود. اما کار توانفرسا، راوللی را پیر می کند. گذشت زمان او را خسته و شکسته می سازد. صدای پای مرگ را می شنود، ولی گویی تصمیم دارد هنوز زنده بماند. با این همه، در مرز ۴۵ سالگی، به ناگهان سکوت ابدی اختیار می کند! مرگ او در هشتم سپتامبر سال ۱۸۳۸ میلادی، در زمانی که موسیقی در اروپا گامهای جدیدی برمی داشت، اتفاق افتاد. راوللی در طول زندگی خود آدمی مهربان، باگذشت، فداکار و به حد افراط متواضع بود. او همیشه خود را آماده آموختن و از نوجربه کردن می دانست. مرگ او باعث تعمق بیشتر در آثارش می شود. دوازده کاپریس راوللی، تمام مدارس عالی موسیقی را یکی پس از دیگری درمی نوردد و نام او را همدریف نام کسانی قرار می دهد که تاریخ برای آنان جاودانگی را رقم زده است. چندین سال بعد از مرگ راوللی، پروفیسور ادموند سینگر^{۱۲}، اهل مجارستان، دوازده کاپریس او را مورد مطالعه قرار داده و با تجدیدنظر و اصلاحاتی دوباره چاپ می کند. صاحب نظران موسیقی ویولون معتقدند که یکی از بهترین انتشارات دوازده کاپریس راوللی، نسخه تجدیدنظر شده توسط پروفیسور سینگر است. در چاپ جدید کاپریسهای راوللی با اصلاحات سینگر، او به اصل آلمانی اثر، دقیقاً و با تمام جزئیات و تفاسیر وفادار مانده است. نسخه آلمانی نیز به هیچ وجه اصلاح یا حکاکی نشده است. اما متنی انگلیسی موجود است که در آن، هر جا که لازم به نظر می رسیده، اصلاحاتی به عمل آمده است. سینگر آنها را طوری منظم کرد که شایسته و درخور احترام لازم باشد و البته نبوغ و ذوق و استعداد فوق العاده راوللی را نیز نمایش دهد. دوازده کاپریس راوللی از ماندنی ترین آثار برای ویولون است که در پیشرفت و گسترش هنر نوازندگی این ساز، همیشه نقش مهمی داشته و خواهد داشت.

یادداشتی درباره پروفیسور ادموند سینگر:

پروفیسور ادموند سینگر در توتیس^{۱۳} در مجارستان به تاریخ یازدهم اکتبر ۱۸۳۰ میلادی متولد شد. تحصیلات

ویولون خود را زیر نظر پروفیسور ریدلی کوهن^{۱۴} و پروفیسور الینگر^{۱۵} در بوداپست آغاز کرد و سپس شاگرد پروفیسور جی بوهم^{۱۶} شد. ارنست^{۱۷} و یواخیم^{۱۸} نیز از شاگردان بوهم بودند. سینگر ابتدا در تئاتر آلمانی بوداپست کار خود را به عنوان سولیست و رهبر ارکستر آغاز کرد که از این طریق شهرت فراوانی یافت. او تورهای کنسرتی را به سرتاسر آلمان، فرانسه و هلند گسترش داد و به دنبال آن در وایمار مستقر شد. او این بار همچون لاب^{۱۹} و یواخیم به شهرت جاودانی رسید. وی در سال ۱۸۶۱ به عنوان کنسرت مایسترو و ویرتوئز مجلسی در اشتوتگارت^{۲۰} مشهور بود. سینگر در این شهر علاوه بر نوازندگی، فعالیت عمیق و دقیقی در جهت آموزش به انجام می رساند که در نتیجه به عنوان استاد در کنسرواتوار سلطنتی برگزیده شد. از تصنیفات سینگر می توان به قطعاتی برای ویولون سلو و دوئت های ویولون اشاره کرد. او کتابی جامع درباره آموزش ویولون به رشته تحریر درآورده است. کتاب مکتب ویولون سینگر او را در ردیف بزرگان موسیقی قرار داده است.

1. Pietro Rovelli
2. Bergamo
3. St. Maria Maggiore
4. Rodolphe Kreutzer
5. Ludwig Spohr
6. *Wiener Musikzeitung* (1817), p. 63.
7. Kreutzer
8. Fiorillo
9. Rode
10. Bernhard Molique
11. P. Edmund Singer
12. Totis
13. P. Ridley Kohne
14. P. Ellinger
15. P. J. Boehm
16. Ernest
17. Joaehim
18. Laub
19. Stuttgart